

خدا در کیش زرتشتی

فرید شولیزاده

درباره خدا در کیش زرتشتی سخن بسیار گفته شده و میشود گروهی معلوم الحال از راه گزاندیشی و نادانی می گویند ایرانیان باستان که منظور زرتشتیان است آتش پرست بودند و آتش را خدا میدانستند. گروهی نیز مدعی میشوند که ایرانیان به دو خدا باور داشتند یکی اهورامزدا خدای نیکی و دیگری اهریمن خدای بدی.

برخی از خاورشناسان باختر زمین در پژوهشهای خود آماج ویژه ای را دنبال می کنند و ان آماج این است که نشان دهند که همه چیز برخاسته از تورات است و همه فرهنگهای جهان در مقابل تورات هیچ و پوچ است و تورات پیش اهنگ فرهنگ بشری است با پیگیری اینگونه آماج است که این گونه پژوهش گران نه تنها در مورد اوستا و فرهنگ ایران بلکه در مورد هر چیزی که مربوط به فرهنگی جز فرهنگ تورات باشد راه کژروی میپویند و با دگرگون ساختن مفاهیم کتابهای دینی و کهن سایر ملل هدف خویش را برآورده میسازند بر پژوهندگان ایران زمین است که با دوری از این گونه لغزشهای که ره آورد تورات محوران (بواقع ادیان سه گانه سامی) است راه راستی را درپیش گیرند و حقیقت این اندیشه را برای مردمان بیان کنند که این خود رسالت اشو زرتشت بود بیان راستی برای بهترین راستی؟!

فرهنگ زرتشتی به خدای یکتا که هستی بخش بزرگ داناست باور دارد و جز این چیزی در فرهنگ زرتشتی نیست و زرتشتیان جز این باوری ندارند. 26 سال است که یک روند مشخص سعی در تخریب چهره زرتشتیان در درون ایران دارد و در این راه با ترویج دروغ ها و ایراد تحمت های مختلف به جامعه بهدینان سعی در تخریب برنامه ریزی شده چهره این جامعه رنج کشیده دارند. جامعه ای که در پس طوفان سیاه حمله تازیان و کشتارهای چنگیز گونه حکام صفوی و تند روی های اسلامیت های افراطی توانسته موجودیت خود را حفظ کند.

هیچ کس به اندازه خود اشو زرتشت نمیتواند توصیف ماهیت مینوی اهورامزدا را بنماید. اینک چند سروده:

پس زرتشت گفت: ای اهورامزدا ای پاک مرا از نام برترین خودت که بزرگترین، بهترین، زیباترین، کارسازترین، پیروزگرتترین، درمان بخش ترین و برای راندن مردم بدمنش کاراترین است آگاه ساز تا با یاری ان بر همه مردمان بدمنش و بدکار و بدکردار چیره شوم و از آنان گزندگی بمن نرسد.

پروردگار اهورامزدا فرمود: ای اشو زرتشت. نخستین نام من پژوهندنی است، دومین نام من گردآورنده است، سوم افزاینده و چهارم راستی و پاکی بهترین، پنجم افریدگار همه پاکی ها و نیکی ها، ششم خرد، هفتم خردمند، هشتم دانش، نهم دانشمند، دهم پاک کننده، یازدهم پاک، دوازدهم هستی بخش، سیزدهم سودمند تر، چهاردهم دشمن بديها، پانزدهم توانا، شانزدهم پاداش دهنده، هفدهم نگهبان، هجدهم درمان بخش، نوزدهم دادار، بیستم مزدا نام من است.

ای زرتشت مرا بستای، به روز و به شب، که من اهورامزدا هستم برای نگهداری و شادمانی تو خواهم آمد.

برای نگهداری و شادمانی تو سروش پاک خواهد آمد.

برای نگهداری و شادی تو خواهد آمد ابها و گیاهان و فرورهای پاک.

ای زرتشت اگر بخواهی بر مردمان بدمنش و ستمگران و کوردلان و کردلان راهزنان دوپا و فریبکاران و گرگان چهارپا و دوپا وانبوه دشمنان راستی با انبوهی از درفشهای برافراشته و درفشهای خونین برافراخته پیروز شوی پس این نامها را بیاد بسیار و به روز و شب فراخوان. منم پاسبان، منم دادار و پروردگار، منم دانا و منم مینو و سودرسان، تندرستی بخش ترین نام من است، اتوریان نام است، مه اتوریان نام است، اهورا نام من است، مزدا نام من است، اشو نام من است، اشوتترین نام من است، فرهمند نام من است، بینا نام من است، بینا ترین نام من است، بیناترین نام من است، درونگر نام من است درونگرترین نام من است، نگهبان نام من است، یاور نام من است، دادار نام من است، پروردگار نام من است، آگاه نام من است، آگاه ترین نام من است، افزاینده خوشبختی نام من است، مانتره فزاینده خوشبختی نام من است، فرمانروای توانا نام من است، نافریبکار نام من است، نافریبخور نام من است، دورکننده بد اندیشی نام من است، پیروز نام من است، سراسر پیروز نام من است، آفریدگار سراسر جهان نام من است، فروغ سراسر جهان نام من است، پر فروغ نام من است، فروغمند بخود نام من است، سودرسان نام من است سودرسان ترین نام من است، توانا نام من است، شادی بخش ترین نام من است، راستی نام من است، بر فراز نام من است، فرمانروا نام من است، تیز بین نام من است، چنین است نامهای من.

ای سپیتمان زرتشت اگر کسی در این جهان مادی نام مرا زمزمه کند و یا به او ای بلند بخواند ایستاده یا نشسته، بهنگام بیدار شدن و بهنگام بستن و گشودن کشتی و... بدان شخص نه در آن روز و نه در آن شب دیو خشم و کینه و سرشت بد اندیشی نمیتواند گزند برساند و گفتار و کردار و پندار بد را در او راه نخواهد بود.

بیاد نامهای من باش و از دروغگو و بد اندیش دوری جوی و از تبهکار و بدکار و گزروان دوری کن و دان که من نگهدار تو هستم همانگونه که هزار مرد یک تن را را نگهداری نمایند. و...

درود بر فرکیانی، درود بر ایران ویج، درود به خوشی و خوشبختی مزدا داده، درود بر راستی و درستی، درود بر همه آفرینش راستین، (یتاهو ونیریو، اشم وهو) میستایم اهورامزدا ی فروغمند پرشکوه را.

(یشتها، هر مزد یشت)

براستی این سروده ها چیست؟ در چه کتابی آمده است و آن کتاب از ان چه کیش و ملتی است؟ آیا جز این است که این سروده ها، سروده های زرتشتی است و در اوستا کتاب دینی زرتشتیان آمده سخن دیگری میتوانیم بگوئیم. اگر چنین است آیا رواست که بازگفته های غرض الود دیرینه چند مغز سفلیسی انیرانی را درباره آتش پرستی و دوگانه اندیشی زرتشتیان بازگو کنیم؟ یا درست بینی و داد اندیشی بما فرمان میدهد که دست از تلغینات مشتی سامی پرست برداریم و بر راستی با چشم خرد امزشهای اشو زرتشت را دریابیم. بر فروهر پاک اشو زرتشت درود باد

به گفنا ر و خشور خود راه جوی دل از تیرگی ها بدین آب شوی

یاری نامه:

1: خداشناسی زرتشتی، دکتر دستور مانکجی انوشیروان جی دهالا

2: یشتها، استاد پور داوود